

ثبت «عمل صالح»

برای هر فریادی که دشمن را عصبانی کند!

علیرضا وکیلی‌ا در هندسه قدرت اسلامی، مبارزه‌تنها در شلیک موشک‌های زیرزمین خلاصه نمی‌شود؛ گاهی وزن یک فریاد در خیابان باطنین گام‌های استوار یک ملت در راهپیمایی، لرزه‌ای سهمگین‌تر بر اندام دشمن می‌اندازد. استکبار پیش از آنکه از تسلیحات ما بپراسد، از «آرده‌های پیوسته» و «حضور آگاهانه» مردم در صحنه واهمه دارد. نگاه توحیدی به ما می‌آموزد که هر حرکتی که تعادل روانی دشمن را بر هم زند و خشم غاصبان جهانی را برانگیزد، یک اقدام راهبردی و دارای یاداش ابدی است. قرآن کریم در سوره مبارکه توبه، دقیق‌ترین معیار را برای شناسایی «عمل صالح» در بستر نبردهای سیاسی و نظامی ارائه می‌دهد: «وَلَا تَقْتُلُوا مَوْتًا مَبْرُورًا» «وَلَا تَقْتُلُوا مَنْ عَدُوًّا لَّيْلًا لِأَكْتَبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ...» «...و هیچ گامی که موجب خشم کافران می‌شود برنمی‌دارند، و ضربه‌ای از دشمن نمی‌خورند (و ضربه‌ای به او نمی‌زنند)، مگر اینکه به خاطر آن، عمل صالحی برای آن‌ها نوشته می‌شود...» این آیه، سندپاداش حضور خیابانی و تجمعات اعتراضی علیه جبهه استکبار است. در منطق وحی، «عمل صالح» تنها در سجاده و محراب خلاصه نمی‌شود، بلکه هر قدمی که زیر پای دشمن را سست کند و هر تجمعی که محاسبات اتاق‌های فکر صهیونیسم را به هم بریزد، یک عبادت بزرگ است. راهپیمایی‌ها و فریادهای ضداستکباری، مصداق عینی «بیغظ الکفار» هستند، یعنی خاری در چشم دشمن که ثبات قدم ملت را به رخ می‌کشد. طبق سنت الهی، این حضور حماسی نه‌تنها یک کنش سیاسی، بلکه بخشی از پرونده قطعی نصرت است که در ملکوت به نام یکایک شرکت‌کنندگان ثبت می‌شود.

حضور در صحنه، درواقع سوخت اصلی موتور بازدارندگی کشور است. وقتی ملت در خیابان‌ها از نیروهای مسلح خود حمایت می‌کند، به جهان مخابه می‌کند که موشک‌ها به اراده یک ملت متکی هستند. این پیوند میان «میدان» و «خیابان»، همان دژ نفوذناپذیری است که دشمن در جنگ روانی خود به دنبال تخریب آن است. ما با هر قدمی که در مسیر مقاومت برمی‌داریم، درواقع درحال شلیک مستقیم به قلب نقشه‌های شوم استکبار هستیم. اشعار ما در توصیف غلبه حق بر باطل می‌گوید:

بزد طبل دولت به نام بلند برآورد از آن دشمنان راگزند

بیاییم با درک این جایگاه قدسی، حضور خود در تجمعات و حمایت‌های ملی را به‌عنوان جهادی عینی و یک «عمل صالح» بی‌بدیل پاس بداریم. نصرت الهی پاداش ملتی است که می‌داند کجا باید فریاد بزند و چگونه با گام‌های استوار خود، صفوف دشمن را به هم بریزد. پیروزی نهایی، ثمره فریادهایی است که از حنجره‌های پاک برمی‌خیزد و هرروز لرزه‌تازه‌ای بر پیکره پوشالی جبهه باطل می‌اندازد. صفوف فشرده ما امتداد همان نصرتی است که خداوند به مجاهدان راه خود وعده داده است.

حکمت

بزرگ‌منشی از دیدگاه امیرمؤمنان(ع)

احمدعدالتیان اکرامت، بزرگواری وبزرگ منشی، یک فضیلت انتخابی نیست، بلکه ریشه در ژرفای هستی انسان دارد. خدای متعال درقرآن کریم، این‌گوهر گران سنگ را به فرزندان آدم، هدیه داده و آنان را بر بسیاری ازآفریدگانش، برتری آشکار بخشیده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ خَلَقْنَاهُمْ مِنَ الْتَرَبِّ وَ الْبَخْرَ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» به‌راستی فرزندان آدم را کرامت و بزرگواری بخشیدیم و آنان را در خشکی و دریا برنشان‌دیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود، برتری آشکار دادیم. (اسراء، ۷۰)

در مکتب انسان ساز امام علی(ع) نیز این کرامت، تنها شرافتی ذاتی نیست، بلکه میدانی برای آزمون اخلاق و رفتار است. آن حضرت همواره برپاسداشت عزت دیگران تأکید می‌کردند و از هرگونه تحقیر و ستم، بی‌زاری می‌جستند. از نگاه امیرمؤمنان(ع)، انسان بزرگ منش، کسی است که در گفتار و کردار، حرمت هم‌نوع خود را نگه دارد.

امیرمؤمنان امام علی(ع) در اولین خطبه از نهج البلاغه، مردمان را بدین حقیقت توجه داده و فرموده‌اند: «خداوند از فرشتگان خواست تا آنچه در عهده دارند، اداکنند و عهدی را که پذیرفته‌اند، وفاکنند و دربرابر کرامت و بزرگواری انسانی، به نشانه خضوع و خشوع، سجده آورند.»

همچنین در حدیثی می‌فرمایند: «مَنْ كَرَّمَ نَفْسَهُ قَلَّ شِقَاقُهُ وَ جَلَّاهُ، هرکه کرامت نفس داشته باشد، عداوت و مخالفت او با مردم، اندک شود.» بنابراین بزرگواری، نه در فریاد برتری جویی، که در سکوت احترام گذاشتن به دیگران معنا می‌شود. دستی که یاری می‌کند، زبانی که آزار نمی‌رساند، دلی که تحقیر نمی‌کند و نگاهی که عیب‌ها را می‌پوشاند، هر روز فرصتی برای تمرین بزرگواری دارد. به یاد داشته باشیم که کرامت ما، نه در آنچه می‌ستانیم، بلکه در آنچه می‌بخشیم و رفتار می‌کنیم، آشکار می‌شود.

احکام

حکم شرعی بغل کردن کودک هنگام اقامه نماز

وکیل‌اتمرکز و طمأنینه‌ا از کارکنانماز است. اما برای والدین، شنیدن صدای گریه شدید کودک در میانه عبادت، یک دوراهی دشوار ایجاد می‌کند. آیا باید نماز را شکست یا می‌توان با درآغوش گرفتن فرزند، همه‌چیز را به‌عبادت ادامه داد و هم به نیاز کودک پاسخ گفت؟ همچنین، مسئله نجاست احتمالی پوشک کودک، دغدغه‌ای است که بسیاری از نمازگزاران را در این موقعیت دچار تردید می‌کند. در این مطلب، ضوابط دقیق فقهی برای مدیریت این لحظات را بررسی کرده‌ایم.

شرایط عمومی بغل کردن کودک در حال نماز

اگر کودک بین نماز به شدت گریه کند، آیا می‌توان او را در آغوش گرفت؟

اگر فرد بتواند بدون اینکه از قبله منحرف شود بچه را بردارد، درحالی‌که به‌قیام نماز و حالت رکوع او خلل وارد نشود، مانعی ندارد. در این حالت، قراردادن دست‌ها بر زانو ها هنگام رکوع طبق نظر برخی مراجع مثل قائد شهید، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، لازم نیست، البته لازم است موقع سجده، بچه را بر زمین بگذارند تا بتوانند سجده صحیح انجام دهد. **حکم حمل کودک با پوشک نجس** یکی از پرسش‌های مهم این است که اگر پوشک بچه نجس باشد، آیا باز هم می‌توان او را در نماز حمل کرد؟ در این خصوص میان مراجع عظام تقلید، تفاوت‌هایی در فتوا وجود دارد:

حضرت امام خمینی(ره) و **شهید آیت‌الله خامنه‌ای**: حمل نجاست در نماز بنابر احتیاط واجب، جایز نیست.

آیت‌الله سیستانی و **آیت‌الله مکارم شیرازی**: حمل و برداشتن کودک (حتی با وجود نجاست در پوشک) برای نماز اشکال ندارد.

یک راهکار فقهی

مقلد های شهید آیت‌الله خامنه‌ای در این احتیاط واجب می‌توانند با رجوع به فتوای آیت‌الله سیستانی، حتی در صورت نجاست پوشک، کودک را در نماز بردارند و نمازشان صحیح خواهد بود.

شکر

۳شنبه
۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۵
شماره ۴۴۴

۱۴



مهر



بخشندگی در سیره امام رضا(ع) مسئولیتی همگانی است

اندوه‌زدایی از خلق، رسالت مکتب رضوی

سمانه رضوانی | سیره امام رضا(ع) گنجینه‌ای از آموزه‌های کرامت و مهربانی است. این میراث گران بها، فقط به بخشش‌های مادی محدود نمی‌شود، بلکه در نحوه تعامل، نگاه به انسان و حفظ عزت بندگان، ابعاد وسیع‌تری می‌یابد. بررسی این روایات، تصویری روشن از امامی ارائه می‌دهد که در اوج فشارهای سیاسی و اجتماعی، همواره مدافع کرامت انسانی بود و با رفتارهای عملی خود، درس‌هایی ماندگار از مهر و عطاوت به جامعه آموخت. این آموزه‌ها، فراتر از زمان و مکان، راهنمای ما برای زیستنی اخلاقی و انسانی در دنیای امروز است.

گزارش

کرم در غربت، معنای ایثار

در شرایط دشوار، امام رضا(ع) دست از بخشندگی برنداشتند. ایشان فرمودند: «صدقه بده. اگر چه اندکی باشد؛ زیرا هر چیز اندکی در راه خدا با نیت صادقانه داده شود، بزرگ است.» این حدیث را خود حضرت زندگی کردند. کرم رضوی در اوج غربت، معنایی مضاعف می‌یابد. امام، نه تنها با مال، که با سعه صدر و توجه خود، غریبان روزگار را پناه می‌داد. نقل شده است که ایشان به محضر نیازمندان می‌رسیدند و پیش از آنکه سخنی بگویند، با لبخند و نگاه مهربان، قلب‌ها را آرام می‌کردند. این سیره، نشان می‌دهد کرم حقیقی، تنها بخشش مادی نیست، بلکه حضوری همراه با مهر و درک متقابل است که حتی در غربت، امید را زنده نگه می‌دارد.

شریت مهربانی در اوج تشنگی

ابو‌هاشم جعفری می‌گوید، روزی در هوای گرم ظهر، در محضر امام رضا(ع) بودم و از شدت تشنگی، توان درخواست آب نداشتم. شرم و حیا مانع بود، اما امام با نگاه نافذ و مهربانشان، متوجه حال من شدند. سخنشان را نیمه‌کاره رها کردند و به خادم فرمودند: «کمی آب بیاورید.» پس از آنکه امام خودشان جرعه‌ای نوشیدند تا من با دیدن ایشان، احساس راحتی کنم، دوباره نگاهشان به من دوخته شد. این بار، دستور تهیه شربتی گوارا دادند. آرد، شکر و آب. امام خودشان شربت را آماده کردند و با مهربانی به من فرمودند: «بنوش که تشنگی ات رفع شود.» با نوشیدن شربت، هم تشنگی ام برطرف شد و هم شرم و شادی در هم آمیخت. در آن لحظه، فقط نور مهربانی امام رضا(ع) بود که همه چیز را فراگرفته بود و درس مهمی از شفقت و توجه بی‌دریغ به انسان‌ها به من آموخت. این، اوج کرامت رضوی بود که حتی در کوچک‌ترین نیازهای بندگان نیز، حضوری پر مهر داشت.

پاسداشت عزت انسان

فردی پشت در خانه آمده بود و امام بدون آنکه او را ببینند، کیسه‌ای پر از طلا را از لای در به او بخشیدند و فرمودند: «این‌ها را بگیر و برو، نمی‌خواهم تو را ببینم.» وقتی از ایشان پرسیدند که آیا آن مرد خطایی مرتکب شده بود، امام با تأکیدی معنادار فرمودند: «نه. اتفاقاً هیچ خطایی از او سر نزده بود؛ این‌گونه برخورد کردم تا مرا نبیند و از شرم حضور نزد من، خجالت نکشد.» امام رضا(ع) با این سیره، به ما می‌آموزد که والاترین نوع بخشش، آن است که حتی سایه‌ای از شرم بر چهره نیازمند ننشیند. کرامت رضوی، نه تنها رفع نیاز ظاهری، بلکه پاسداری از حریم عزت نفس بنده است.

جریان کرامت در رگ‌های جامعه

حرکت می‌کند و همین ویژگی‌ها، آن را در برابر تلاطم‌ها مقاوم می‌سازد. دهه کرامت در چنین فضایی، معنا و کارکردی تازه پیدا می‌کند. این پیام یادآوری می‌کند که ایستادگی، همیشه در میدان‌های بزرگ و پرهیاهو رخ نمی‌دهد؛ گاهی در یک انتخاب درست، در حفظ انصاف، در امیدبخشی به دیگران و در پرهیز از بی‌تفاوتی جلوه‌گر می‌شود. مقاومت، پیش از آنکه یک رفتار بیرونی باشد، باوری درونی است.

دهه کرامت، فرصتی است برای بازخوانی جایگاه انسان در جهان امروز؛ انسانی که اگر به کرامت خویش آگاه باشد، می‌تواند در هر شرایطی، مسیر درست را انتخاب کند. پیوند این مفهوم با واقعیت‌های امروز نشان می‌دهد که استقامت، ریشه در ایمان و آگاهی دارد. سیره امام رضا(ع) نیز گواهی روشن بر این حقیقت است که می‌توان در اوج فشارها، هم اهل منطق و گفت‌وگو بود و هم استوار و عزتمند ایستاد. پیام نهایی این روزها روشن است، در زمانه‌ای که اشکال گوناگون جنگ و فشار بر زندگی انسان سایه افکنده است، تنها راه عبور، بازگشت به کرامت انسانی و پایبندی به استقامت آگاهانه است؛ مسیری که از دل دهه کرامت می‌گذرد و به آینده‌ای روشن‌تر می‌انجامد.

نه‌ا‌ز اصول خودفاصله‌گرفتند و نه در برابر نیرنگ‌ها تسلیم شدند. روش ایشان در مواجهه با مخالفان، مبتنی بر گفت‌وگو، استدلال و آرامش بود؛ روشی که نشان می‌دهد دفاع از حقیقت الزاما با تندی و خشونت همراه نیست، بلکه عقلانیت و متانت ماندگارتر و اثرگذارتر است. از سوی دیگر، صبر و استقامت امام رضا(ع) در برابر شرایط دشوار، تصویری عینی از کرامت حقیقی ارائه می‌دهد؛ کرامتی که ریشه در درون دارد و وابسته به شرایط بیرونی نیست. این همان درسی است که امروز بیش از هر زمان دیگری به آن نیاز داریم؛ اینکه در میانه فشارها، بتوانیم هم اصول خود را حفظ کنیم و هم با حکمت و تدبیر، مسیر را ادامه دهیم.

جامعه‌ای که خم نمی‌شود

کرامت، مرز روشن در برابر زیاده‌خواهی ترسیم می‌کند. در هر عصر، قدرت‌هایی وجود دارند که می‌کوشند اراده خود را بر دیگران تحمیل کنند. در چنین شرایطی، جامعه‌ای که برپایه کرامت شکل گرفته باشد، نه تسلیم ظلم می‌شود و نه خود به ابزار آن تبدیل می‌گردد. این جامعه، به جای رقابت‌های ناسالم و برتری‌جویی، به سمت عدالت، همدلی و مسئولیت‌پذیری



چهره‌ای از امام‌الاسلام و المسلمین احمد ناصری کارشناس ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

اقتصادی و رسانه‌ای نیز جریان دارد. در چنین شرایطی، آنچه هویت یک جامعه را حفظ می‌کند، قدرت درونی انسان‌ها برای ایستادن در مسیر حق و حفظ کرامت خویش است. استقامت، صرفاً واکنشی لحظه‌ای در برابر فشارها نیست، بلکه فرایندی آگاهانه و ریشه‌دار است که از ایمان، بصیرت و شناخت درست شکل می‌گیرد. انسان مقاوم، کسی است که در میان هیاهوی تبلیغات و تردیدها، مسیر خود را گم نمی‌کند و با وجود سختی‌ها، ارزش‌های خود عقب‌نشینی نمی‌کند. چنین روحیه‌ای، جامعه را در برابر تزلزل و فروپاشی حفظ می‌کند.

امروز نیز می‌توان نشانه‌های این ایستادگی را در مردم مشاهده کرد؛ در صبوری‌ها، در آمیدی که خاموش نمی‌شود و در انتخاب‌هایی که برپایه انصاف و حقیقت شکل می‌گیرد. این همان نیرویی است که می‌تواند ازل فشارها اراده‌هایی بزرگ بسازد و آینده‌ای روشن‌تر رقم بزند. **امام رضا(ع) الگوی عقلانیت در دل استقامت** در این میان، سیره امام رضا(ع) الگویی روشن و راهگشای پیش‌روی ما قرار می‌دهد. این در دورانی زندگی می‌کردند که فضای سیاسی آکنده از بی‌چیدگی فشار و فریب بود؛ با این حال،

درنگ

دهه کرامت، فقط یک مناسبت در تقویم نیست؛ فصلی از بیداری است که از میلاد حضرت معصومه(ع) آغاز می‌شود و در اوج میلاد امام رضا(ع) به کمال می‌رسد. این ایام، یادآور حقیقتی عمیق است: انسان زمانی به معنای واقعی «انسان» می‌شود که کرامت خود را بشناسد و در حفظ آن، استوار بایستد. امروز که جامعه ما درگیر فشارها و جلوه‌هایی از یک جنگ تحمیلی در ابعاد مختلف است، بازخوانی این مفاهیم ضرورتی دوچندان پیدا می‌کند. کرامت، مفهومی فراتر از یک واژه اخلاقی است؛ حقیقتی است که به انسان می‌آموزد زیر بار تحقیر، سلطه و زیاده‌خواهی نرود. کرامت یعنی انتخاب آگاهانه عزت، حتی در شرایطی که هزینه دارد. دهه کرامت، دعوتی است به بازگشت به همین معنا؛ اینکه انسان بداند ارزش او به ایستادگی‌اش در مسیر حق گره خورده است، نه به ظواهر فریبنده و موقعیت‌های زودگذر.

میدان استقامت و اراده‌های بزرگ

در روزگاری که جامعه با لایه‌های گوناگون یک جنگ تحمیلی روبه‌روست، مفهوم استقامت معنایی عمیق‌تر و عینی‌تر پیدا می‌کند. این جنگ، تنها در مرزها و میدان‌های نظامی خلاصه نمی‌شود، بلکه در عرصه‌های فرهنگی،